

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال دوم شماره ۵۵

۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ می ۲۰۱۷



امنیت کار و کار در امنیت



«ایمنی و بهداشت کار»، بحران جامعه کارگری در ایران



حق ایمنی و بهداشت کار در اسناد بین المللی و قوانین ایران

تراژدی‌های دردناک پلاسکو و زمستان یورت



کارگاه‌های کوچک با معضلی بزرگ



آیین نامه‌های حفاظت فنی و بهداشت کار؛ برای اجرا نوشته می‌شوند یا تماشا؟

نقش تشکلهای کارگری و سندیکاها در ایمنی محل کار



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: مریم دهکردی، کامبیز غفوری، معین خزائلی

نقاشی روی جلد: ایستمن جانسون (۱۸۲۴ - ۱۹۰۶)، بردگان فراری، موزه بروکلین

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

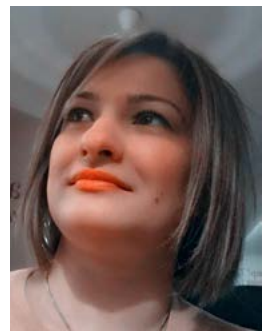
مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

«ایمنی و بهداشت کار»، بحران جامعه کارگری در ایران



نعمه دوستدار

سازمان جهانی کار (ILO) درباره نتایج حوادث و بیماری‌های ناشی از کار می‌گوید: «هر ۱۵ ثانیه یک نفر، هر روز ۶۳۰۰ نفر و هر سال ۲/۳ نفر در اثر حوادث یا بیماری‌های ناشی از کار جان می‌دهند. هر سال ۳۱۷ میلیون حادثه شغلی در جهان رخ می‌دهد که بسیاری از آن‌ها به غیبت طولانی از کار می‌انجامد.» بر آمار حوادث شغلی در سطح جهان و ۲/۳ میلیون قربانی حوادث و بیماری‌های شغلی هزینه مالی ناشی این حوادث و هزینه بهبود صدمه دیدگان هم اضافه می‌شود. سازمان جهانی کار می‌گوید که به طور متوسط ۴ درصد تولید ناخالص داخلی صرف این هزینه‌ها می‌شود.

اما در ایران چه شرایطی در محیط‌های کاری حاکم است؟

«احمد شوکت» رئیس کنون کارگران ساختمانی کشور گفته که ایران با ۱۵ هزار حادثه‌دیده کارگری در دنیا رکورددار است. در سال ۹۴ در مجموع دو هزار کارگر جان خود را از دست داده‌اند ۱۲۰۰ نفر از این قربانیان کارگران ساختمانی بوده‌اند که از بیمه و مزایای تامین اجتماعی در موارد از کارافتادگی یا مرگ بی‌بهره‌اند.

در سال ۹۵، میکائیل صدیقی نائب رئیس کنون انجمن‌های کارگران ساختمانی اعلام کرد در شش ماه اول سال، بیش از ۸۰۰ کارگر ساختمانی جان خود را در اثر حوادث ناشی از کار از دست داده‌اند و در اسفند ۹۵ سازمان پزشکی قانونی اعلام کرد که آمار فوت



شدگان در اثر حوادث ناشی از کار نسبت به سال قبل رشد ۴۰۱ درصدی داشته است. آتش‌سوزی و ویرانی ساختمان پلاسکو و انفجار معدن یورت در فاصله چند ماه، که هر کدام منجر به از بین رفتن جان تعداد زیادی از کارگران و آسیب ده‌ها خانواده شد، تصویر تراژیک شرایط کار در ایران را به وضوح نشان می‌دهد. اما غیر از این حوادث که به حوادثی بزرگ و جمعی تبدیل شده، هر روز کارگران در حوادث کوچک‌تر در مناطق مختلف ایران و در محیط‌های مختلف کاری جان خود را از دست می‌دهند. هر حادثه کار مجموعه‌ای از صدمات و خسارات را تولید و بازتولید می‌کند: صدمات و خساراتی جبران‌ناپذیر برای آسیب پذیرترین اقشار جامعه که حتی امکان پیگیری خواسته‌های خود را برای تامین امنیت در محل کار ندارند و با قراردادهای غیرقانونی، در شرایط بسیار ناامن مجبور به کارند. شماره ۵۵ مجله حقوق ما را به همین موضوع اختصاص داده‌ایم: شماره‌ای ویژه برای بررسی اینکه قوانین ایران چه حقوقی را برای تامین امنیت در محل کار در نظر گرفته، این قوانینی چقدر ضمانت اجرایی دارند و چه شرایطی بر قراردادهای و شرایط کاری حاکم است که کارگران را مجبور می‌کند در ناامن‌ترین شرایط به کار خود ادامه دهند و مهم‌تر اینکه تشکیل سندیکاها کارگری چه نقشی می‌تواند در تامین امنیت کارگران داشته باشد؟

حق ایمنی و بهداشت کار در اسناد بین المللی و قوانین ایران



اول - حق ایمنی و بهداشت کار در اسناد بین المللی

در دوره‌هایی که زندگی بشر از شکار، صید و یا کشاورزی تأمین می‌شده، به سبب سادگی ابزار، عوارض وابسته به شغل ناچیز بود ولی بتدریج که صنعت پیشرفت کرد و نیروی محرکه مکانیکی و الکتریکی بوجود آمد، خطرات شغلی نیز به همان نسبت افزایش یافت. با وقوع انقلاب صنعتی در سالهای بین ۱۷۶۰ تا ۱۸۳۰ در انگلستان و سرایت آن به دیگر کشورهای اروپایی، و در نتیجه اختراع و تکامل ماشین‌های تولید جدید، محیط کار از خانه‌ها و کارگاه‌های کوچک به کارخانه‌ها کشانده شد و صنعت چهره جدیدی به خود گرفت. هرچند انقلاب صنعتی برای انسان آسایش زیادی در زندگی به همراه آورد و باعث گسترش پیشرفت در کلیه مظاهر و شؤون حیات شد، لیکن این دگرگونی‌ها جنبه‌های منفی نیز به دنبال داشت که از مهمترین آنها می‌توان به مخاطرات و حوادث صنعتی اشاره کرد.

پیشگیری از حوادث صنعتی اولین بار در نخستین قانون کار فرانسه در خصوص کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی که از انرژی مکانیکی استفاده می‌کردند یا کار به‌طور مداوم در آنها صورت می‌گرفت، مورد توجه قرار گرفت و همین قانون یک نظام بازرسی را در کارخانه‌هایی که دارای ۲۰ کارگر بودند پیش‌بینی کرد، معذالک قوانین لازم در خصوص حفاظت فنی و واقعی کلمه تا سال ۱۸۳۹ تدوین نشد. اما پس از این دوره به مرور قوانین مربوط به حفاظت فنی و پیشگیری از حوادث صنعتی دراکثر کشورهای صنعتی مورد پیش بینی قرار گرفت به طوری که در بخشنامه‌ای به تاریخ ۲۸ مه ۱۸۴۵ وزیر کشور و دارایی پروس توصیه کردند که برای کارخانه‌ها بازرسان طبی تعیین شود. در سال ۱۸۵۳ برای مراکز صنعتی دوسلدورف-اکس لاشاپل و آرنسبرگ، بازرسانی از سوی دولت، انتخاب و موظف شدند که به امور حفاظتی و نیز سلامت کارگران جوان رسیدگی کنند. حمایت عمومی از کارگران، در مقابل حوادث و بیماری‌های ناشی از کار، با تدوین قوانینی بوسیله کنفدراسیون آلمان شرقی در سال ۱۸۶۹ تأمین شد و سپس در سال ۱۸۷۲ یک

نظام بازرسی حفاظت و بهداشت کار بطور کلی، در پروس بوجود آمد. به موجب قانون مصوب ۱۵ ژوئیه ۱۸۷۸ بازرسی کارخانه‌ها در کلیه شهرهای آلمان اجباری شد و قوانین مربوط به بیمه حوادث ناشی از کار - که در چهارچوب آن نظام انجمن‌های و بیمه حوادث بوجود آمد- در سال ۱۸۸۴ تدوین شد.

با این حال قوانین مربوط به حفاظت فنی و پیشگیری از حوادث صنعتی تنها پس از تأسیس سازمان بین‌المللی کار جنبه بین المللی به خود گرفت. سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ به موجب ماده ۱۳ «قرارداد صلح ورسای» تأسیس شد و ۴۲ کشور به عضویت آن درآمدند. هدف از تأسیس این سازمان، استقرار عدالت اجتماعی،

در زمینه ایمنی و بهداشت کار به تصویب رسیده است. موضوع‌هایی که این مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌ها به آن پرداخته‌اند عبارتند از: پیشگیری از حوادث ناشی از کار، حفاظت از تندرستی کارگران، طب کار، حمایت از کارگران در برابر خطرهای ناشی از آلودگی هوا، صدا و ارتعاش. همچنین معیارهای ویژه‌ای برای حمایت از کارگران در برابر خطرهای خاص تعیین شده است، مانند خطرهای مواد شیمیایی، مواد مسموم کننده، مواد سرطان‌زا، پرتوهای یون ساز، و نیز ممنوعیت فروش، اجاره و استفاده از ماشین‌هایی که حفاظ کافی ندارند و تعیین حداکثر مجاز حمل بار با دست به وسیله کارگر، و یا معیارهای ویژه‌ای برای حفاظت از کارگران بعضی از

آزادی و امنیت اقتصادی و ایجاد فرصت‌های مساوی برای مردم همه کشورها بوده است. سازمان بین‌المللی کار در حقیقت یکی از قدیمی‌ترین مؤسسات بین‌المللی است که گرچه پس از اولین جنگ جهانی ایجاد شد، اما بعد از جنگ جهانی دوم نیز همچنان پابرجا باقی ماند و در سال ۱۹۴۶ به‌صورت یکی از سازمان‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد درآمد.

اهمیت ایمنی و بهداشت کار در مقدمه اساسنامه سازمان بین‌المللی کار تصریح شده و همواره در رأس برنامه‌های سازمان بین‌المللی کار قرار داشته است. بطوری که در سال ۱۹۱۹ چهار توصیه‌نامه به این امر اختصاص داده شد. در حال حاضر تعداد ۲۵ مقاوله‌نامه و ۲۶ توصیه‌نامه

شاخه‌های فعالیت مانند: صنایع ساختمانی، بنادر، رعایت مقررات بهداشت در بخش‌های بازرگانی و خدمات و مانند آنها.

البته جدا از مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار در زمینه ایمنی و بهداشت کار، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۷۶ نیز در بند ب ماده هفتم به موضوع ایمنی و بهداشت کار اشاره و از کشورهای طرف این میثاق خواسته تا حق هرکس را به تمتع از شریط عادلانه و مساعد کار که به ویژه متضمن موضوع ایمنی و بهداشت کار باشد، به رسمیت بشناسند.

دوم - حق ایمنی و بهداشت کار در قوانین ایران

ایران از ابتدای تأسیس سازمان بین‌المللی کار، یعنی از سال ۱۹۱۹ عضو سازمان مزبور شد و تاکنون مقاوله نامه‌های زیادی را در ارتباط با ایمنی و بهداشت کار مورد تصویب قرار داده و الحاق خود را به آنها اعلام داشته است. در سال ۱۹۴۵ برای نخستین بار هیئت کنندگی از طرف ایران در کنفرانس بین‌المللی کار شرکت کرد و با تأسیس وزارت کار، روابط بین سازمان بین‌المللی کار و ایران به نحو گسترده‌تر و فعال‌تری ادامه یافت. اولین قانون کار ایران در ۱۳۲۵ توسط مجلس شورای ملی تصویب شد. کمی بعد در سال ۱۳۳۷ دولت منوچهر اقبال با مشاوره سازمان بین‌المللی کار قانون کار جدید را تصویب و به مجلس فرستاد. این قانون در ۲۶ اسفند ۱۳۳۷ تصویب و جایگزین قانون قبلی شد. پس از انقلاب اسلامی نیز قانون کار مجدداً مورد بازنگری قرار گرفت و در نهایت در ۲۹ آبان ۱۳۶۹ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید که در حال حاضر نیز حاکمیت دارد.

در این قانون رعایت اصول ایمنی و بهداشتی در محیط کار به منظور صیانت از نیروی کار و حفظ نیروهای ماهر و متخصص و همچنین حفظ و نگهداری بهینه از امکانات و ماشین آلات از موضوعات مهمی است که به آن توصیه شده که هم برای کارگران وهم برای کارفرمایان که وظیفه استانداردسازی محیط کار را بر عهده دارند، الزام آور است. به همین جهت مطابق ماده ۸۵ این قانون برای صیانت نیروی انسانی و منابع مادی کشور رعایت دستورالعمل‌هایی که از طریق شورای عالی حفاظت فنی

ماشین می‌پردازند مکلف به رعایت موارد ایمنی و حفاظتی مناسب هستند. به همین سبب کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی که بخواهند لوازم حفاظت فنی و بهداشتی را وارد یا تولید کنند، باید مشخصات وسایل را حسب مورد همراه با نمونه‌های آن به وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ارسال دارند و پس از تأیید، به ساخت یا وارد کردن این وسایل اقدام کنند. طبق ماده ۹۱ قانون کار، کارفرمایان و مسئولان کلیه واحدهای تولیدی مکلفند براساس مصوبات شورای عالی حفاظت فنی برای تأمین حفاظت و سلامت و بهداشت کارگران در محیط کار، وسایل و امکانات لازم را تهیه و در اختیار آنان قرار داده و چگونگی کاربرد وسایل فوق‌الذکر را به آنان بیاموزند و در خصوص رعایت مقررات حفاظتی و بهداشتی نظارت کنند. افراد مذکور نیز ملزم به استفاده و نگهداری از وسایل حفاظتی و بهداشتی فردی و اجرای دستورالعمل‌ای مربوطه کارگاه هستند. در غیر این صورت مشمول مجازات‌هایی خواهند شد که در ماده ۱۷۶ قانون کار آمده است.

کلیه واحدهای تولیدی مشمول قانون کار که شاغلین در آنها به اقتضای نوع کار در معرض بروز بیماری‌های ناشی از کار قرار دارند، باید برای همه افراد مذکور، پرونده پزشکی تشکیل دهند و حداقل سالی یک بار توسط مراکز بهداشتی و درمانی از آنها معاینه و آزمایش‌های لازم را به عمل آورند و نتیجه را در پرونده مربوط ضبط کنند. چنانچه با تشخیص شورای پزشکی نظر داده شود،-که فرد معاینه شده به بیماری ناشی از کار مبتلا یا در معرض ابتلاء می باشد، کارفرما و مسئولین مربوطه مکلفند کار او را بر اساس نظریه شورای پزشکی مذکور بدون کاهش دستمزد، در قسمت مناسب دیگری تعیین کنند. در صورت عدم توجه کارفرما نسبت به ایمنی و بهداشت کار، چنانچه حادثه ای رخ دهد کارفرما و یا کننده کارفرما از نظر کیفری و حقوقی مسئول بوده و خسارات وارده از او دریافت خواهد شد. در صورتی که کارفرما یا مدیران واحدهای مربوطه، وسایل و امکانات لازم را در اختیار کارگر قرار داده باشند ولی کارگر با وجود آموزش‌های لازم و تذکرات قبلی، بدون توجه به دستورالعمل‌ها و مقررات موجود از وسایل مذکور استفاده نکند و در نتیجه دچار حادثه گردد، کارفرما مسئولیتی نخواهد داشت. در



و نقشه‌های ساختمانی و طرح‌های مورد نظر را از لحاظ پیش بینی در امر حفاظت فنی و بهداشت کار، برای اظهار نظر و تایید به وزارت کار و امور اجتماعی ارسال دارند. وزارت کار و امور اجتماعی موظف است نظرات خود را ظرف مدت یک ماه اعلام کند. بهره برداری از کارگاه‌های مزبور منوط به رعایت مقررات حفاظتی و بهداشتی خواهد بود. (ماده ۸۷ قانون کار) همچنین کارفرمایان مکلفند قبل از بهره برداری از ماشین‌ها، دستگاه‌ها، ابزار و لوازمی که آزمایش آنها مطابق آیین نامه‌های مصوب شورای عالی حفاظت فنی ضروری شناخته شده است، آزمایش‌های لازم را توسط آزمایشگاه‌ها و مراکز مورد تأیید شورای عالی حفاظت فنی انجام داده و مدارک مربوطه را حفظ و یک نسخه از آنها را برای اطلاع به وزارت کار و امور اجتماعی ارسال کنند. (طبق ماده ۸۹ قانون کار)

اشخاص حقیقی یا حقوقی که به ساخت یا ورود و عرضه

(جهت تأمین حفاظت فنی) و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (جهت جلوگیری از بیماری‌های حرفه‌ای و تأمین بهداشت کار و کارگر و محیط کار) تدوین می شود، برای کلیه کارگاه‌ها، کارفرمایان، کارگران و کارآموزان الزامی است.

۱- نقش کارفرمایان در تأمین ایمنی و بهداشت کار

در قانون کار مصوب ۱۳۶۹ با توجه به اهمیت ضوابط فنی و بهداشت کار در پیشگیری از حوادث ناشی از کار در کارگاه‌های تولیدی و صنعتی که موجب از کارفتادگی و یا فوت کارگران می‌شدد، مسئولیت‌ها و وظایفی برای کارفرمایان و کنندگان آنها مورد پیش بینی قرار گرفته است. مطابق این قانون اشخاص حقیقی و حقوقی کارفرمایی که بخواهند کارگاه جدیدی احداث کنند یا کارگاه‌های موجود را توسعه دهند، مکلفند بدوا برنامه کار



صورتی که در این زمینه بین کارگر و کارفرما اختلاف بروز کند، رأی هیئت حل اختلاف وزارت کار نافذ خواهد بود.

۲- نقش نظام بازرسی در تامین ایمنی و بهداشت کار

اندیشه‌ی تأسیس نظام بازرسی کار به عنوان یک نهاد ضروری سیاست اجتماعی، به منظور تضمین اجرای قوانین حمایتی کار، از قرن نوزدهم، گسترش یافته است. هدف غایی از ایجاد نظام بازرسی، «صیانت از نیروی انسانی، منابع اقتصادی و محیط زیست کار» است که امروزه، به عنوان عناصر مهم توسعه‌ی پایدار به شمار می‌آیند. از این رو، نظام بازرسی به عنوان مسئولیتی دولتی و به منظور نیل به شرایط کاری شایسته، دارای مهم‌ترین وظایف از جمله نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات، اطلاع رسانی و آرایه‌ی توصیه‌های لازم، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و بازدارنده و مشارکت در سیاست گذاری‌ها با اعلام ابهامات و نارسایی‌های قانونی به مقامات و مراجع ذی صلاح است. در ایران نیز برای اجرای قوانین و آیین نامه‌های مربوط به حفاظت و بهداشت کار، قانون کار، اداره کل بازرسی کار را مکلف به نظارت، آموزش، بررسی و رسیدگی به حوادث ناشی از کار می‌کند. طبق قانون کار مصوب ۱۳۶۹ بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار در حدود وظایف خویش حق دارند، بدون اطلاع قبلی در هر موقع از شبانه روز برای بازرسی از اجرای مقررات حفاظتی و بهداشتی و همچنین به منظور اطلاع از ترکیبات و نمونه برداری از موادی که کارگران با آنها در تماس هستند و یا در انجام کار مورد استفاده قرار می‌گیرند، به واحدهای مذکور مشمول قانون کار وارد شده و به بازرسی بپردازند و نیز می‌توانند به دفاتر و مدارک مربوطه در کارگاه و موسسه مراجعه و در صورت لزوم از تمام یا قسمتی از آنها رونوشت تهیه کنند. بازرسی مذکور شامل کارگاه‌های خانوادگی نیز می‌شود، ولی ورود بازرسان کار به کارگاه‌های خانوادگی منوط به اجازه کتبی دادستان محل خواهد بود.

هرگاه در حین بازرسی، بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه ای احتمال وقوع حادثه و یا بروز خطر در کارگاهی را بدهد، مراتب فوراً و کتباً به کارفرما یا کننده او اطلاع داده می‌شود. وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت،

درمان و آموزش پزشکی، پس از دریافت گزارش بازرسان کار و کارشناسان بهداشت حرفه ای، از دادسرای عمومی محل و در صورت عدم تشکیل دادسرا از دادگاه عمومی محل تقاضا خواهند کرد، فوراً قرار تعطیل و لاک و مهر تمام یا قسمتی از کارگاه را صادر کند. دادستان بلافاصله نسبت به صدور قرار اقدام کرده و قرار مذکور پس از ابلاغ قابل اجراست. رفع توقیف کار زمانی ممکن خواهد بود که بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه ای و یا کارشناسان ذی ربط دادگستری رفع نواقص و معایب موجود را توسط کارفرما تایید کرده باشند. در زمانی که کارگاه به دلیل نقص موارد ایمنی تعطیل شده است تا زمان رفع توقیف، کارفرما موظف است حقوق کارگران را بپردازد. در صورتی که کارفرما نسبت گزارش بازرسان کار معترض باشد می‌تواند از مراجع مزبور، به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه مکلف است به فوریت و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی کند. تصمیم دادگاه قطعی و قابل اجراست.

۳- نقش تشکلهای کارگری در تامین ایمنی و بهداشت کار

مطابق ماده ۹۳ قانون کار به منظور جلب مشارکت کارگران و نظارت بر حسن اجرای مقررات حفاظتی و بهداشتی در محیط کار و پیشگیری از حوادث و بیماری‌ها، در کارگاه‌هایی که وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ضروری تشخیص دهند کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار تشکیل خواهد شد. کمیته مذکور از افراد متخصص در زمینه حفاظت فنی و بهداشت حرفه‌ای و امور فنی کارگاه تشکیل می‌شود و از بین اعضا دو نفر شخص واجد شرایطی که مورد تأیید وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشند تعیین می‌شوند که وظیفه‌شان برقراری ارتباط میان کمیته مذکور با کارفرما و وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش

پزشکی است. در مواردی که یک یا چند نفر از کارگران یا کارکنان واحدها امکان وقوع حادثه یا بیماری ناشی از کار را در کارگاه یا واحد مربوطه پیش بینی کنند، می‌توانند مراتب را به کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار یا مسئول حفاظت فنی و بهداشت کار اطلاع دهند و این امر نیز بایستی توسط فرد مطلع شده در دفتری که به همین منظور نگهداری می‌شود ثبت شود. چنانچه کارفرما یا مسوول واحد، وقوع حادثه یا بیماری ناشی از کار را محقق نداند موظف است در اسرع وقت موضوع را همراه با دلایل و نظرات خود به نزدیک‌ترین اداره کار و امور اجتماعی محل اعلام کند. اداره کار و امور اجتماعی مذکور موظف است در اسرع وقت توسط بازرسین کار به موضوع رسیدگی و اقدام لازم را معمول کند.

تراژدی‌های دردناک پلاسکو و زمستان یورت



مریم دهکردی

در یک صبح سرد زمستانی ساختمان ۱۷ طبقه پلاسکو و نماد تهران مدرن واقع در خیابان استانبول به دنبال یک آتش سوزی چند ساعته فرو ریخت. تصویر فرو ریختن ساختمان در پس زمینه گزارشگر صدا و سیما و حجم دود سفید به جا مانده از آن بارها در رسانه‌های خبری و شبکه‌های مجازی باز نشر شد و بسیاری را متاثر کرد. بنا بر گزارش‌های منتشر شده ۲۰ آتش نشان و شهروند در هنگام فرو ریختن ساختمان در داخل آن بودند که زیر آوار مانده و در طول ۱۰ روز آواربرداری پیکرهای آنها یک به یک از زیر آوار خارج شد. منابع خبری همچنین از مفقود شدن ۱۰ نفر در این حادثه خبر دادند. تنها چند ماه پس از فاجعه پلاسکو، در اردیبهشت ۱۳۹۶ اتفاقی مشابه در یکی از معادن ایران رخ داد. معدن زغال سنگ زمستان یورت در ارتفاعات استان گلستان بدلیل متساعد شدن گاز منفجر شد. ۴۴ تن از کارگران معدن زیر آوار ناشی از انفجار مدفون شده و دست کم ۷۳ نفر در این حادثه مجروح شدند.

هر دوی این اتفاق‌ها بی شک تراژدی‌هایی تمام عیار بودند. تصاویر منتشر شده حجم اندوه و درد را منتقل می‌کنند اما به راستی مقصر این رخدادها کیست؟ آیا آنگونه که گفته می‌شود خطاهای انسانی موجب بروز این اتفاق‌ها شده اند یا سهل انگاری در تامین امنیت اماکن؟ چرا تلفات انسانی در این دو حادثه اینقدر بالا بود؟ چرا امکان کمک رسانی و نجات جان محبوس شدگان زیر آوار در این دو رخداد چنین اندک بود؟

پلاسکو فرو ریخت؛ یورت منفجر شد

برای بررسی حادثه پلاسکو و برای نخستین بار پس از انقلاب دولت یک کمیته حقیقت یاب تشکیل داد و مسئولیت واکاوی ماجرا را به یک هیئت تحقیق واگذار کرد. این هیئت ویژه در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۹۶ [نتایج](#) حاصل از تحقیقات خود را به رئیس جمهور ارائه و اعلام کرد دلیل آتش سوزی اتصال برق و احتمالا نشت همزمان گاز از کپسول بوده و از آنجایی که در ساختمان پلاسکو مقادیر معتناهی پارچه نیز وجود داشته آتش سوزی گسترده‌تر شده است. به این ماجرا اضافه کنید نبودن فضا بندی و جداسازی مقاوم در برابر آتش، نبود



برخی از کارگران این معدن اظهار کرده بودند از روزها پیش از این اتفاق در ارتباط با بوی شدید گاز هشدار داده بودند اما دستگاه تست نشستی گاز در اختیار نداشتند. پیمانکار معدن زمستان یورت در پی این اتفاق به دادرسی احضار شد.

مالکین پلاسکو و معدن زمستان یورت

ساختمان یا پاساژ پلاسکو توسط حبیب‌الله القانیان ساخته شد که سازنده و مالک ساختمان مرتفع دیگری به نام ساختمان آلومینیوم نیز بود. القانیان ریاست انجمن یهودیان ایران را هم برعهده داشت و پس از انقلاب به دستور صادق خلخالی، قاضی شرع دادگاه انقلاب، اعدام شد. اموال حبیب‌الله

خبرگزاری ایسنا به نقل از فیض الله کاکوئی مسوول معدن زمستان یورت شمال غربی نوشت: «زمانی که موتور دیزل از کار می‌افتد کارگران توسط یک دستگاه باطری که خارج از تونل تهیه کرده بودند قصد روشن کردن موتور دیزل کشنده لوکوموتیو را داشتند که به محض برقراری اتصال با جرقه ایجاد شده تونل منفجر شده و تعداد زیادی از کارگران دچار حادثه می‌شوند.»

اما خبرگزاری تسنیم روز بعد از انتشار این اظهارات در گزارشی اعلام کرد: «در بررسی‌های اولیه اعلام شده بادنچ‌هایی که در کنار این معدن نصب شده‌اند کار نکرده‌اند، و البته احتمال دخیل بودن خطای انسانی در این حادثه نیز وجود دارد.»

پلکان اضطراری، عدم انطباق راه خروج با طراحی مناسب و مطابق با اصول ایمنی، عدم وجود سیستم بارنده خودکار در ساختمان، مشکلات فنی لوله‌های قائم آتش‌نشانی و عدم تعمیر و نگهداری صحیح از آنها در دوران بهره‌برداری، نبودن یک سیستم گرمایشی استاندارد و وجود تعداد زیادی کپسول‌های گاز پیک نیکی و نیز وجود موانع زیادی برای فعالیت آتش‌نشانان. به عبارت دیگر این هیئت اذعان داشته که حداقل استانداردهای ایمنی در این ساختمان رعایت نشده بود.

در ماجرای معدن زمستان یورت، در همان ساعات نخستین این اتفاق اعلام شد دلیل انفجار خطای انسانی بوده است.



به خاطر حادثه ساختمان پلاسکو را رد کرد.

دوم: شهرداری تهران

شهرداری بر اساس قانون می‌بایست به ساختمان‌های نایمن و حتی معابر عمومی که ایمنی استاندارد ندارند تذکر داده و برای اصلاح وضعیت ایمنی اقدامات قانونی را انجام دهد. محمدباقر قالیباف شهردار تهران بارها اعلام کرد که این کار در خصوص ساختمان پلاسکو از سوی شهرداری به دفعات انجام شده و مالکین نسبت به آن اهمال و بی توجهی کرده‌اند. اما واقعیت این است که تذکرات شهرداری به جای مالک ساختمان یعنی بنیاد مستضعفان به مستاجرین و افرادی که صاحب سرقفلی برخی از مغازه‌ها بودند داده شده و کسبه در نهایت می‌توانستند واحد خود را ایمن سازی کنند و نه تمامی ساختمان را. در صورتی که شهرداری تهران به مالک اصلی یعنی بنیاد مستضعفان تذکر داده و این ارگان نسبت به تذکرات بی توجه بوده است مطابق با قانون و کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری می‌بایست ساختمان پلاسکو مدت‌ها قبل تعطیل می‌شد. از این منظر قصور شهرداری تهران در برخورد با نهاد بنیاد مستضعفان اگر بیشتر نباشد کمتر نیست.

سوم: واحد بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی

ایمنی و نظارت بر کارگاه‌ها یکی از وظایف بازرسان وزارت کار

و امور اجتماعی است. با توجه به اینکه کارگاه‌های مستقر در ساختمان پلاسکو اغلب کوچک بوده و نیروی کار آنها کمتر از ۱۰ نفر اعلام شده است از شمول قانون کار و طبعاً بازرسی وزارت کار خارج بوده‌اند. واقعیت این است که هیچ آمار دقیقی از تعداد، وضعیت و شرایط کارگاه‌های ساختمان پلاسکو در دست نیست. متأسفانه در خصوص کارگاه‌های بزرگ هم – که مشمول قوانین بازرسی وزارت کار می‌شوند – اصول ایمنی به درستی اجرا نمی‌شود.

مسئولین در ماجرای معدن زمستان یورت

هیئت تحقیق ویژه تشکیل شده در خصوص حادثه انفجار معدن زمستان یورت هنوز نتیجه قطعی تحقیقات خود را رسانه ای نکرده است اما بر اساس اخبار منتشر شده و اظهارات تعداد زیادی از کارگرانی که زنده مانده اند، گفته شده معدن، «سنسور تشخیص گاز» نداشته و علت اصلی این حادثه هم «انفجار گاز به دلیل نشت آن» بوده است. یکی از معدنچیان به خبرگزاری ایلنا گفته است که: «نکات ایمنی هرگز رعایت نمی‌شده و تجهیزات مورد استفاده کارگران اغلب مستعمل و قدیمی بوده و سال‌های متمادی است که نوسازی نشده‌اند». این اظهارات البته از سوی معاون وزیر صنعت و معدن «نادرست و عوامانه» نامیده شده و دلیل انفجار را خطای انسانی و استفاده از استارتر لوکوموتیو توسط کارگران اعلام کرده است.

برخی دیگر از رسانه‌ها نیز ماجرا را اینگونه روایت کرده‌اند که یکی از لوکوموتیوهای حمل و نقل در داخل تونل خاموش شده بود و هنگام روشن کردن لوکوموتیو به شیوه باطری به باطری، گاز متان انباشت شده در داخل معدن بر اثر جرقه منفجر شده است.

متضرران و مصدومان در ماجرای پلاسکو و معدن زمستان یورت

پلاسکو پرونده پیچیده‌ای است. تکلیف متضرران حادثه نامشخص است. کاسبان بسیاری مغازه‌های سرقفلی داشته‌اند و حالا این مغازه از میان رفته است. کارگران بی شماری بیکار شده‌اند. افراد متوفی نمی‌توانند از نهادهای مسئول – بنیاد مستضعفان، شهرداری یا وزارت کار – طلب دیه کنند. چند صد واحد تولیدی از بین رفته، اموال بسیاری در میان آتش سوخته است.

در ماجرای معدن زمستان یورت به نظر می‌رسد تکلیف روشن‌تر است. دیه افراد متوفی باید پرداخت شود. عبدالناصر همتی، رئیس کل بیمه مرکزی اعلام می‌کند که جانب‌اختگان حادثه معدن یورت گلستان تحت پوشش بیمه مسئولیت بودند و خسارت آنها پرداخت خواهد شد. اما ناگوار اینجاست

که ساعاتی بعد در خبرها جزئیات بیشتری مرتبط با سقف تعهد کارفرما برای پرداخت بیمه رسانه ای می‌شود. سقف تعهدی که در بیمه‌نامه مسئولیت مدنی کارفرمای یورت تعیین شده تنها ۴۰ نفر است حال آنکه تعداد جانب‌اختگان این حادثه ۴۴ نفر بوده است. تا اینجاى ماجرا یعنی خانواده چهار نفر از جانب‌اختگان دست‌شان به هیچ جا بند نیست.

این یک نقص بزرگ در قانون بیمه مسئولیت است که معین نکرده کارفرما باید برای چه تعداد از کارکنان خود بیمه مسئولیت پرداخت کند. در قوانین آمده است: «کارفرمایان کارگاه‌هایی که در آنها احتمال وقوع حادثه وجود دارد مکلف به تهیه چنین بیمه‌نامه‌ای هستند اما در عین حال مخیرند تصمیم بگیرند که برای چه تعداد از کارگرانی که در استخدام آنها هستند، بیمه مسئولیت تهیه کنند.»

از سوی دیگر، سایر مصدومان و خانواده جانب‌اختگان که از بیمه عادی برخوردار بوده یا نبوده‌اند با معضل دیگری روبرو هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که «طبق ماده ۱۰ قانون بیمه» به بازماندگان این فاجعه بابت دیه تنها حدود ۱۷ میلیون تومان می‌رسد! چرا که کارفرما تنها ۸ درصد مبلغ بیمه برای کارگران را به شرکت بیمه گر پرداخت کرده است به این ترتیب شرکت بیمه آسیا تنها ۸ درصد از مبلغ دیه قانونی که معادل ۲۱۰ میلیون تومان است به قربانیان حادثه که تحت پوشش بیمه بوده‌اند پرداخت خواهد کرد.

بازی با کلمات یا کی بود کی بود من نبودم

وقت اتفاق‌های هولناک جانی در ایران بیشتر از آنکه مسئولیت پذیری دیده شود تلاش برای مقصر جلوه دادن دیگری، پاک کردن صورت مساله و فرار از بار مسئولیت دیده می‌شود. هیچ کدام از نهادهای مسئول در این دو حادثه از افکار عمومی، شهروندان و از همه مهمتر بازماندگان این حوادث عذرخواهی صورت نگرفت.

هیچ مقامی عزل نشد، هیچ استعفايي رخ نداد. اطلاع رسانی دقیق و منظم اتفاق نیفتاد. تنها در بحبوحه تراژدی‌های تلخ رخ داده تصویر مقامات مسوول در محل حادثه دست به دست شد. یکی با لباس و کلاه ایمنی ژست من امدادگرم گرفت. دیگری گفت من سنگ صبورم و بگذارید هر چه فریاد دارند بر سر من بزنند. اما تا این لحظه کدامیک از ما به راستی می‌دانیم مقصران محرز و اعلام شده حادثه مشمول مجازات‌های قانونی شده‌اند یا خیر؟

بازی با کلماتی مثل مدیریت کلان شهری، ستاد بحران و امثالهم به یک سرگرمی برای مقامات در شرایط این چنین تبدیل شده است و تنها دو کلمه کافی است تا خواب را برای شب‌های طولانی از چشم مردمان این سرزمین دور کند: «زلزله تهران»....

کارگاه‌های کوچک با معضلی بزرگ



معین خزالی

آمارها در ایران نشان می‌دهند که حوادث و تلفات ناشی از کار در ایران نسبت به کشورهای دیگر بسیار بالا بوده و از این حیث ایران یکی از پرحادثه‌ترین و ناایمن‌ترین محیط‌های کارگری و صنعتی را داراست. بر اساس گزارشات سازمان پزشکی قانونی تنها در سال گذشته ۱۷۹۵ نفر در ایران به واسطه حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده‌اند.

آبان ماه سال گذشته نیز احمد شوکت رییس کانون کارگران ساختمانی، ایران را با دارا بودن سالانه ۱۵ هزار حادثه دیده کارگری رکورددار دانسته بود. در همین رابطه علی اکبر یساقی از اعضای هیئت مدیره ستاد دیه کشور نیز تیر ماه ۹۴ گفته بود که ۳۵۰ هزار نفر در ایران فقط به دلیل حوادث کارگاهی زندانی هستند. اردیبهشت ۹۴ نیز حسن هفده تن معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خبر از مرگ سالانه ۹۸۰۰ نفر در ایران به دلیل حوادث و بیماری‌های ناشی از کار داده بود. وی همچنین هزینه‌های اقتصادی حوادث ناشی از کار را سالانه ۳۰ هزار میلیارد تومان برآورد کرده بود. در میان اما بر اساس آمارها تنها ۱۰ درصد از کشته شدگان حوادث کار در ایران از حمایت‌های بیمه‌ای برخوردار هستند.

در همین زمینه پژوهش‌ها نشان می‌دهند کارگاه‌های ساختمانی و کارگاه‌های کوچک در ایران از جمله خطرناک‌ترین محیط‌های کاری بوده و بیشترین حوادث و تلفات ناشی از کار در این کارگاه‌ها روی می‌دهد. کارگاه‌های کوچک اما از این جهت که به طور معمول زیر نظر وزارت کار نبوده و بالطبع مشمول قوانین آن نمی‌شوند حتی وضعیت بدتری داشته و به طور معمول مبحث ایمنی در آنها تعریف نشده است. از این رو می‌توان گفت که این کارگاه‌ها به یکی از پر حادثه‌ترین محیط‌های کاری تبدیل شده‌اند.

کارگاه‌های کوچک، سود اقتصادی ملاک است یا تعداد کارگران؟



بر اساس قانون کار ایران، کارگاه‌های کوچک که بنابر ماده ۱۹۱ این قانون به کارگاه‌هایی با تعداد کارگران ۱۰ نفر و کمتر اطلاق می‌شود نیز با وجود برخی معافیت‌های قانونی، در زمینه قوانین مربوط به حفاظت ایمنی و بهداشت مستلزم تبعیت از قانون کار هستند. از این رو این کارگاه‌ها نمی‌توانند با استناد به آیین‌نامه معافیت کارگاه‌های کوچک از برخی مواد قانون کار مصوب سال ۱۳۸۱ از قوانین مربوط به ایمنی کار شانه خالی کنند. مشکل اما زمانی بروز می‌کند که مبنای تشخیص کارگاه‌های کوچک در قانون کار ایران تعداد نفرات شاغل در کارگاه است نه سود اقتصادی حاصل از فعالیت کارگاه. البته اگرچه دستورالعمل تامین سلامت کار در کارگاه‌های

کوچک ابلاغی وزارت بهداشت در سال ۱۳۸۶، کارگاه‌های خویش فرما، خانگی و کوره پزخانه‌ها را نیز از جمله کارگاه‌های کوچک و در نتیجه مشمول قوانین مربوط به آن دانسته، اما همچنان نقش سود اقتصادی در این تعریف خالی است.

این مساله از آن جهت حائز اهمیت است که بر اساس گزارشات یکی از اصلی‌ترین علل عدم اعمال قوانین موضوعه فصل چهار قانون کار که مربوط به حفاظت ایمنی و بهداشت محیط کار است، ارتباط مستقیمی با سود اقتصادی حاصل از کارگاه دارد. در همین رابطه، علی‌حدایی عضو هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار ایران، دی ماه سال گذشته مسائل

مربوط به رونق اقتصادی را یکی از اصلی‌ترین توجیهات مسئولان، وزارت کار و دیگر نهادهای ناظر دانسته بود. بر این اساس، فشار فزاینده بر کارگاه‌های کوچک از آن رو که سبب افزایش فشار اقتصادی بر آن‌ها خواهد شد، بر خلاف منافع اقتصادی این کارگاه‌ها بوده و چه بسا موجب تعطیلی آن‌ها شود. این در حالی است که این چشم‌پوشی سبب افزایش قربانیان ناشی از حوادث کار در کارگاه‌های کوچک شده است.

چرا که براساس ماده ۱۰۵ قانون کار، بازرسان کار و بهداشت در صورت تشخیص عدم ایمنی در کارگاه موظف به گزارش آن بوده و وزارت کار و بهداشت نیز متعاقباً موظفند به واسطه مقام قضایی کارگاه نایمن را تعطیل



کرده و پلمپ کنند و تنها در صورتی اجازه فعالیت مجدد به کارفرما داده خواهد شد که بازرسان ایمن بودن کارگاه را تایید کنند. در حقیقت بنا بر قانون راه دیگری پیش پای نهادهای نظارتی مسئول برای برخورد با صاحبان کارگاه‌های نایمن وجود نداشته و این سبب شده است که این نهادها فعالیت کارگاه‌های غیر ایمن را به تعطیلی آن‌ها ترجیح دهند. از سوی دیگر کارفرمایان کارگاه‌های کوچک برای فرار از تعطیل شدن ترجیح می‌دهند به صورت مخفیانه فعالیت کرده که این مسئله خود سبب افزایش خطر و کاهش ایمنی در آن‌ها خواهد شد.

در این زمینه همچنین کارگاه‌هایی نیز که با اخذ مجوز کسب از شهرداری‌ها مشغول به فعالیت می‌شوند با وجود تاکید ماده ۵۰ قانون شهرداری‌ها مبنی بر پلمپ و یا ایمن سازی مکان‌های پر خطر، از بازرسی‌های شهرداری‌ها به دلیل منافع اقتصادی و سیاسی در امان می‌مانند. چرا که شهرداری‌ها به جای پلمپ و یا انجام وظیفه قانونی ایمن سازی اقدام به اخذ جریمه مالی از کارفرمای خاطی می‌کنند.

حوادث کار، مشکل از کجاست؟

بر اساس پژوهشی که در سال ۱۳۹۰ در مجله اختصاصی «کار و جامعه» منتشر شده، ناکارآمدی سیستم مدیریتی، فقدان مدیریت ایمن در پروژه‌ها، عدم تخصیص اعتبار به ایمنی و بهداشت، عدم وجود سیستم‌های کارآمد حمایتی و قانونی، توجه صرف به سودآوری و بازدهی مالی و نیز بی احتیاطی و غفلت از مسائل ایمنی از اصلی‌ترین علل بروز حوادث ناشی از کار در ایران هستند.

در مورد کارگاه‌های کوچک اما کوتاهی سازمان‌ها و نهادهای مسئول در نظارت مستمر و دقیق بر این گونه از کارگاه‌ها، فعالیت کارگاه‌های غیرمجاز و پنهانی، عدم آشنایی کارفرمایان و کارگران با قوانین، بی اطلاعی کارگران در مورد خطرات محیط کار و نیز بی احتیاطی و سهل انگاری کارگران و کارفرمایان از علل اصلی حوادث در کارگاه‌های کوچک است.

در همین زمینه ماده ۹۱ قانون کار مسوولیت آموزش قوانین حفاظتی و ایمنی را بر عهده کارفرمایان دانسته و آن‌ها را موظف کرده تا وسایل و تجهیزات ایمنی کار و نیز طرز استفاده از آن‌ها را به کارگر بیاموزند. از این رو روشن است که وظیفه آموزش مسائل ایمنی حتی در کارگاه‌های کوچک نیز بر دوش کارفرما است و وی نمی‌تواند با استناد به خرد بودن کارگاه و محدودیت فعالیت آن از این مسئله

شانه خالی کند.

مشکل اما آنجاست که در این کارگاه‌ها شرایط اقتصادی و سود مالی حاصل از کار عملاً به حدی است که امکان ایجاد شرایط مقرر شده در قانون از سوی کارفرما وجود ندارد. از سویی دیگر بسیاری از کارفرمایان با سوء استفاده از مشکلات اقتصادی و معیشتی کارگر و نیاز او به کار با وجود اطلاع از قوانین و نکات حفاظتی ترجیح می‌دهند که هزینه ای را برای آن صرف نکنند. از طرفی، کارگران محتاج به کار نیز با اطلاع از خطرات احتمالی خود راضی می‌شوند در محیط‌هایی خطرناک و به دور از امکانات ایمنی مشغول به کار شوند.

حمایت‌های قانونی ناکافی از کارگران نیز خود سبب شده است که در زمان مواجهه قانونی کارگر با کارفرمای خویش، عملاً این کارگر باشد که آسیب حاصل از مواجهه نصیبش شود. در بسیاری از کارگاه‌های کوچک در عمل

کوچک و با استناد به قانون کار از بازرسین وزارت کار به عنوان کارشناس در تمییز میزان قصور طرفین استفاده کرده و در صورت تقصیر کارفرما وی را به پرداخت دیه و یا دیگر هزینه‌های مالی محکوم کند.

آنچه اما در عمل در کارگاه‌های کوچک در ایران اتفاق می‌افتد بسیار متفاوت با الزامات قانونی بوده و عملاً در شرایط فعلی قوانین موضوعه کارآیی خود را از دست داده‌اند. از این رو نیاز به قوانین جدید نظارتی و حمایتی با تاکید فزاینده بر نقش و مسئولیت کارفرما و اجبار وی بر ایجاد محیطی امن به شدت احساس می‌شود.

شرایط نامطلوب اقتصادی و نیاز به کار کارگران و از سویی دیگر نبود سیستم نظارتی یک پارچه و کارآمد سبب شده است که حوادث ناشی از کار در ایران نه تنها کاهش نیافته بلکه شرایط را برای کارگران سخت تر کند.

قراردادی کتبی بین کارگر و کارفرما و منطبق با ضوابط قراردادی وزارت کار منعقد نشده و کارگر و کارفرما به رضایتی شفاهی بسنده می‌کنند. از این رو تقریباً در تمامی موارد بروز اختلاف، نتیجه پیگیری‌های قانونی در عمل به سود کارفرما بوده و کارگر بهره‌ای از آن نمی‌برد. حتی در مواردی کارفرمایان با گرفتن اوراق سفید امضا از کارگر عملاً راه را برای امکان اعمال قوانین حمایتی بسته و شرایط را به نفع خود تغییر می‌دهند. مجازات‌های پیش روی قانونگذار برای تنبیه کارفرمای خاطی نیز عملاً راه به جایی نبرده و کارآیی ندارند. چرا که اندک سود اقتصادی حاصل از این کارگاه‌ها امکان جریمه مالی کارفرما را از بین برده و پلمپ آن نیز کمکی به بهبود شرایط نخواهد کرد. با این وجود در صورت وقوع حادثه در کارگاه‌های کوچک و پیگیری قضایی کارگر صدمه دیده، دادگاه موظف است با پیروی از دستورالعمل تامین سلامت کار در کارگاه‌های



مریم دهکردی

آسیب‌های ناشی از عدم رعایت نکات ایمنی و بهداشت در محل کار در ایران نرخ بالایی دارد. کافی است سری به خبرگزاری‌های رسمی داخلی در ایران بزنید تا حوادث ناشی از نبودن شرایط ایمن در محیط کار شگفت‌زده‌تان کند. از نمونه‌های پررنگ این حوادث می‌شود به آتش سوزی ساختمانی در خیابان جمهوری در دی ماه ۱۳۹۲، آتش سوزی ساختمان پلاسکو در دی ماه ۱۳۹۵ و انفجار معدن زمستان یورت در اردیبهشت ۱۳۹۶ اشاره کرد.

در هر سه این رخدادها بخشی از مشکلات رخ داده به عدم رعایت ایمنی در محل کار باز می‌گردد. استفاده از وسایل و ابزار مستعمل و خارج از استاندارد، عدم توجه نهادهای نظارتی نسبت به سهل انگاری کارفرمایان در تامین ایمنی مورد نیاز کارگاه‌ها و کارکنان و همچنین عدم آموزش نیروی کار در این خصوص می‌تواند از مهمترین عوامل بروز این اتفاق‌ها قلمداد شود.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در بخشی با عنوان اداره کل بازرسی کار، یک ردیف شغلی تحت عنوان «بازرسی کار» تعریف کرده است. بنا بر تعریف ارائه شده برای این شغل، بازرسان کار موظف هستند بر اجرای مقررات ناظر بر شرایط کار به ویژه مقررات حمایتی مربوط به کارهای سخت و زیان آور و خطرناک، مدت کار، مزد، رفاه کارگران و اشتغال زنان و نوجوانان نظارت کنند. همچنین موظف به آموزش مسائل مرتبط با حفاظت فنی و راهنمایی کارگران، کارفرمایان و کلیه افرادی که در معرض «صدمات و ضایعات ناشی از حوادث» و «خطرات ناشی از کار» قرار دارند هستند.

در بند دیگری از وظایف تعریف شده برای بازرسان این مجموعه آمده است: «بررسی حوادث ناشی از کار در کارگاه‌های مشمول این قانون و اظهار نظر در خصوص علل وقوع آنها و ارائه راه‌های پیشگیری و اعلام نتیجه به مراجع ذیصلاح نیز به عهده این افراد است.»

بازرسان می‌بایست به صورت مستمر از کارگاه‌ها و بنگاه‌های شغلی بازدید به عمل آورده و اشکالات، معایب و نواقص موجود را به مالکان و صاحبان مشاغل اعم از بزرگ و کوچک تذکر داده و در صورت عدم توجه از سوی آنها تقاضای تعقیب متخلفان

آیین نامه‌های

حفاظت فنی و

بهداشت کار؛

برای اجرا نوشته

می‌شوند یا تماشا؟

در مراجع صالح را مطرح کرده، نسبت به تشکیل کمیته‌های حفاظت فنی و بهداشت کار در کارگاه‌های مشمول این قانون توجه نشان دهند.

مراحل تدوین و شرایط بازنگری آیین نامه‌های حفاظت فنی و ایمنی در محل کار بنا بر آنچه در وبسایت وزارت کار، رفاه و امور اجتماعی آورده شده است تدوین آیین نامه‌ها و بازنویسی آنها در صورت لزوم شامل مراحل زیر است:

در مرحله نخست کارشناسان می‌بایست یک پیش نویس اولیه براساس اطلاعات و منابع که عموماً کتابهای مرجع و استانداردهای بین المللی هستند تهیه کنند.

سپس یک کمیته عمومی این پیش‌نویس را بررسی و پیش نویس‌های بعدی را ارائه می‌کند. پیش‌نویس مورد توافق اولیه جهت بررسی و اظهارنظر به اداره کل حقوقی وزارت کار و امور اجتماعی و تشکل‌های کارگری و کارفرمایی ارسال می‌شود. پس از رایزنی با کمیته تخصصی که از اعضا یا نمایندگان شورای عالی حفاظت فنی و اعضا کمیته عمومی تشکیل می‌شود، نسخه نهایی پیش‌نویس تهیه و برای تصویب به وزیر کار و امور اجتماعی سپرده خواهد شد.

پس از تایید، آیین نامه مذکور در وبسایت وزارت کار و امور اجتماعی قرار گرفته و جهت ابلاغ به سازمان‌های ذیربط



ارسال می‌شود.

در صورت به روز نبودن و عدم کارآیی لازم یک آیین‌نامه در کارگاه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با آن یا بالا بودن ضریب تکرار یک حادثه و یا عرضه ماشین‌آلات، تجهیزات و فرایندهای جدید مرتبط با یک آیین‌نامه، دریافت شکایت و انتقاد به کارایی آیین‌نامه و یا درخواست صاحب‌نظران اعم از اعضای شورای عالی حفاظت فنی، تشکل‌های کارگری و کارفرمایی و... احتمال بازنگری و به روز رسانی آیین نامه‌ها وجود دارد.

ضمانت اجرایی آیین‌نامه‌های ایمنی و بهداشت در محیط کار

بخشی از آیین نامه‌های مربوط به حفاظت ایمنی و بهداشت در محیط کار به استانداردهای محیطی و ابزار کار اختصاص دارد. برای نمونه ساختمان پلاسکو را در نظر بگیرید. این ساختمان عمری بالغ بر ۵۰ سال داشت. یک ساختمان ۵۰ ساله مشروط بر اینکه به خوبی نگهداری شود و دارای سیستم دقیق تعمیر و ایمن‌سازی بوده باشد به سادگی فرو نمی‌ریزد اما در مورد ساختمان پلاسکو چنین نبود.

سید جلال ملکی، سخنگوی آتش نشانی در این‌باره گفته است: «بارها به هیات مدیره این ساختمان درباره ایمنی ضعیف آن هشدار داده بودیم اما متأسفانه هیچ کس به هشدارهای آتش

نشانی توجهی نکرده بود و باعث بروز این فاجعه شد». مطابق با آنچه در وبسایت ورزات کار، رفاه و امور اجتماعی آمده است فصل یازدهم قانون کار به ویژه ماده ۱۷۶ این قانون، ضامن اجرایی آیین‌نامه‌های مصوب شورای عالی حفاظت فنی است. این بدان معناست که در صورت عدم اجرای مفاد آیین‌نامه‌های ایمنی توسط کارفرما و طی مراحل قانونی، کارفرمایان متخلف به مجازات مقرر در این فصل از قانون برابر رای مرجع قضایی محکوم خواهند شد.

پس از وقوع حادثه پلاسکو و کشته شدن بیش از ۲۰ تن اعم از شهروندان عادی و آتش‌نشانان، کامبیز نوروزی حقوقدان ساکن ایران، دستگاه ناظر بر اجرای آیین‌نامه‌های ایمنی و نظارت، یعنی شهرداری را بیش از مالک این مجموعه یعنی بنیاد مستضعفات مقصر می‌داند.

وی در یادداشتی که در خبرگزاری ایسنا منتشر کرده آورده است: «با وقوع فاجعه پلاسکو، عوامل شهرداری تهران و رئیس شورای شهر تهران، برای اثبات عدم مسئولیت و تقصیر شهردار و شهرداری تهران مرتباً تبلیغ می‌کنند که شهرداری در چندسال اخیر، مثلاً ۱۴ بار به این ساختمان اخطار ایمنی داده است. فرضاً که این ادعا درست باشد، اما مشکلی را از شهرداری تهران حل نمی‌کند؟ اخطاری که به حرکت عملی منتهی نشود هیچ ارزشی ندارد و نمی‌تواند رافع

نقش تشکلهای کارگری و سندیکاها در ایمنی محل کار



کامبیز غفوری

تشکلهای کارگری چه نقشی در فراهم کردن مقدمات بهداشت و ایمنی محیط کار دارند؟ فقدان تشکلهای مستقل در ایران، کارگران این کشور را با چه مشکلاتی روبه‌رو می‌کنند؟ مجله حقوق ما در این رابطه با مهدی کوهستانی، عضو شاخه‌ی اونتاریو در کنگره کارگران کانادا گفت‌وگو کرده است.

کوهستانی که سابقه دو دوره عضویت در هیأت مدیره و یک دوره نیابت ریاست اتحادیه خدمات عمومی ایالت اونتاریو را در کارنامه دارد، از اوایل دهه ۱۹۹۰ در اتحادیه خدمات عمومی کانادا در دانشگاه تورنتو به فعالیت پرداخت؛ چهار دوره در انتخابات مجمع عمومی کارگران به ریاست دوره‌ای شعبه ۳۲۶۱ انتخاب شد و در رابطه با مذاکرات مربوط به قراردادهای جمعی کارگران بخش فنی و خدماتی، پی‌گیری شکایت‌های کارگران در اداره کار و داوری، ایمنی کار و آموزش و سازماندهی کارگران، مشارکت داشت.

متن این گفت‌وگو را می‌خوانید:

آقای کوهستانی! نخستین قوانین مربوط به ایمنی محل کار در دنیا چگونه و طی چه روندی به تصویب رسیدند؟ اگر بحث درباره ایمنی کار یا جلوگیری از بیماری‌های حرفه‌ای را از نقطه نظر تاریخی نگاه کنیم، باید به سال ۱۵۶۷ میلادی بازگردیم. در آن زمان ۱۲ جلد کتاب درباره بیماری‌های مختلف تنفسی و پوستی و مسمومیت‌های مختلفی نوشته شد که عمدتاً به مسأله کار در معادن مربوط بود.

می‌دانیم که در کشورهای غربی معدن بسیار مهم بوده است. در ۲۰۰ سال گذشته یعنی ۱۸۱۵ در آمریکا اولین قانون ایمنی کار تصویب شد سه سال بعد در انگلیس، در سال ۱۸۱۸ مشابه همین قانون را تصویب کردند.

گفتیم که اصل تولیدات و کارکردها در معادن صورت می‌گرفته؛ به همین صورت، اصل پیدا شدن تشکل کارگری هم بر اساس مسأله ایمنی کار در همین معادن بوده است. اما تشکل کارگری به‌وجود نیامد که فقط چانه‌زنی دستمزد کند. چانه‌زنی یک بخش آن است که قواعدش را هم بازار تعیین می‌کند. ایمنی نیز بخش مهمی بود که برای کارگران در اولویت قرار داشت.

با تکامل سرمایه‌داری، می‌بینیم که ایمنی کار هم تکامل می‌یابد

وکیل خود باشیم

۵۰

سری آیین‌نامه‌های حفاظت فنی و بهداشت کار

آیین‌نامه ایمنی در کارگاه‌های دامپروری

مصوب شورای عالی حفاظت فنی



تدوین: ابراهیم عقیقی

مدرس قانون کار و کارشناس مسئول اسبق بازرسان کار

اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی خراسان رضوی

مسئولیت شهرداری باشد، بلکه ناخواسته به معنای اقرار به مسئولیت شهرداری تهران در این فاجعه است. زیرا اولاً؛ این اخطارها به این معناست که شهرداری تهران به خطرات مهلک ناشی از عدم رعایت ضوابط ایمنی کاملاً آگاهی داشته است. ثانیاً؛ این را هم حتماً می‌دانسته یا باید می‌دانسته که ابعاد و حجم ساختمان پلاسکو به میزانی بود که حوادث آن می‌توانست به فاجعه شهری بدل شود، که شد.

به باور این حقوقدان ساکن ایران شهرداری تنها به تذکر دادن در این مورد بسنده کرده است بی‌آنکه با استناد به قوانین موجود ضامن اجرای آیین‌نامه‌های ایمنی که هم در قانون کار و هم در قانون شهرداری موجودند اقدام موثری در این زمینه انجام دهد.

او معتقد است شهرداری می‌توانست راساً اقدام به تعطیلی این مجموعه به واسطه عدم ایمنی ساختمان نماید و وقتی شهردار می‌گوید عدم ایمنی ساختمان پلاسکو را اخطار دادیم، یعنی از آنها کاملاً آگاهی داشته است. آقای نوری این اهمال را به لحاظ حقوقی «تقصیر» شهرداری در عدم اجرای قانون تلقی می‌کند.

چنین انتقادی از سوی «اقبال شاکری» رئیس کمیسیون عمران شورای شهر تهران به ورزات کار وارد شده است. او در گفت‌وگو با وبسایت خبری پارس نیوز بیان کرده است: «وزارت کار بر اساس ماده ۱۰۵ قانون این وزارتخانه، بازرسی از پایگاه‌های تولیدی را انجام می‌دهد و اگر مواردی را مشاهده کرد که باید اقداماتی در آن انجام شود به مسئول آن در وزارتخانه و مالک باید اعلام کند و اگر مالک در موعد مقرر تخلفات را برطرف نکرد راساً به دادستانی برای پلمب آن کارگاه می‌تواند اقدام کند. اینکه چرا مالک و وزارت کار نسبت به آن اقدامی نکرده‌اند باید ابعاد آن بررسی شود.»

اگر سایر حوادث کوچک و بزرگ رخ داده شده محیط‌های کارگاهی را در ایران را بررسی کنیم می‌شود نتیجه گرفت که امکان جلوگیری از وارد آمدن بخش عمده‌ای از خسارات جانی و مالی در اینگونه حوادث تنها با رعایت موارد ایمنی در محیط کار امکان پذیر بوده است.

اگر چه در حال حاضر آمار دقیقی از حوادث ناشی از کار و منجر به فوت در ایران در دست نیست و آن چیزی هم که اعلام می‌شود بعضاً با آمارهای پزشکی قانونی و دستگاه‌های ذیربط در تناقض است، اما مدیرکل بازرسی کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۳ عوامل انسانی را در وقوع ۸۵ درصد حوادث کار دخیل دانسته و ۵۲ درصد حوادث را نیز ناشی از عدم نظارت در محیط کار بر شمرده است. آمار قابل توجهی که به نظر می‌رسد لحظه به لحظه در حال افزایش است.

گفت‌وگو

می ۲۰۱۷/ اردیبهشت ۱۳۹۶

۲۴

حقوق ما

کار وجود ندارد، دست از کار بکشد و یا به اداره کل کار و بازرسی کار شکایت کند.

چطور این کار را بکنند؟ کارگر رأساً از یک معدن در یک نقطه از کشور راه بیافتد و برود اداره کل کار؟ یا باید برای احقاق حقوقش سندیکا و تشکل مستقل و سالم داشته باشد؟

بحث همین است! در نبود امنیت شغلی هیچ کارگری جرات شکایت کردن ندارد، این وظیفه تشکل کارگری است. چون شما به عنوان شخص وقتی می‌روید، صدا و نیرویی ندارید که در ایران تشکل کارگری مستقل غیر قانونی است.

در محیط کار آیین نامه ۲۷ ماده ۸۵ قانون کار توضیح می‌دهد که در محیط کارهای ما باید اصول بهداشتی و آموزشی رعایت شود. اصول آموزشی یعنی چه؟ یعنی وقتی کارگری در محیط کار استخدام می‌شود، به او آموزش ایمنی بدهند.

در کشورهای پیشرفته به این صورت است. من وقتی در یک محیط کارگری استخدام شدم، اولین کاری که برایم کردند، آموزش ایمنی کار بود. اتحادیه موظف بود تا به مدت چهار ساعت آموزش بدهد. آموزش لزوم رعایت اصول ایمنی، از کفش و کلاه ایمنی تا ماسک، بر عهده‌ی تشکل کارگری است تا به کارفرما این کار را تحمیل کند.

باطلبع این کار را به کارفرما نمی‌سپارند زیرا کارفرما ضرورتی نمی‌بیند. کارفرما عمدتاً معتقد است که کارگر از روز اول باید وارد محیط کار شود، کار کند و در داخل محیط کار به‌طور خودکار این چیزها را یاد می‌گیرد. در صورتی که بخش عمده کارگران کشته‌شده در ایران، طی همان روزهای اول کارشان قربانی می‌شوند.

سال گذشته در مشهد یک کارگر طعمه ماشین‌آلات کارخانه‌ی شیشه سازی شد؛ به طوری که بدنش درسته به داخل ماشین کشیده شد و از آن طرف گوشت و استخوان بیرون آمد. این ضعف آموزش است. وقتی بحث از این ۱۵ هزار آسیب کاری ثبت‌شده می‌کنیم، یعنی کارگر تعلیم ندیده است. کارفرما پول و وقت نمی‌گذارد برای آموزش اما سندیکا که باشد، سندیکا و کارفرما یکی از وظایف‌شان آموزش ایمنی محیط کار است. ماشین آلات که قدیمی است، آموزش که وجود ندارد و بسیاری از حوادث بخاطر این صورت می‌گیرد که کارگر ساعت ها بیشتر از زمان واقعی اش کار می‌کند و حقوق کارگر را که دیر می‌دهند و بنیه جسمی ندارد و حوادث کار بالا می‌رود. همین موسساتی که در ایران امروز می‌گویند آموزش کارگري داده‌ایم، ما می‌رویم در نشانی سایت‌شان و می‌بینیم اصلاً سایتی وجود ندارد. فقط گواهی‌نامه صادر می‌کنند که ما آموزش دادیم ولی در حقیقت، این‌گونه نیست.

در کشورهای غربی، دولت کمک می‌کند برای پرداخت حقوق

می ۲۰۱۷/ اردیبهشت ۱۳۹۶

۲۵

حقوق ما

کارگران در آن چند ساعت مربوط به آموزش، در تمام بخش‌های اقتصادی هم کارگران باید آموزش ببینند؛ از کارگران نگهبان زندان گرفته تا کارگرانی که در جاده‌سازی کار می‌کنند، همه باید تعلیم مخصوص را ببینند.

بسیار خب! اما مسأله این است که وقتی در یک کشور غربی نهادهای تصمیم‌گیرنده یا قانون‌گذار به این نتیجه می‌رسند که قانونی برای حمایت از ایمنی کارگران وضع کنند، این قانون که خودبه‌خود ایجاد نمی‌شود، قبلاً باید برایش چانه‌زنی شود. چه کسی باید این فشار را به دولت و کارفرما بیاورد؟

اجازه بدهید از معدن و کارگران معدن یورت آزادشهر که به تازگی کشته شده‌اند مثال بزنم. اول اشاره کنم که بزرگ‌ترین اعتصاب قرن، مربوط به کارگران معدن زغال‌سنگ در انگلیس بود.

دوران مارگارت تاجر را می‌گویید؟

بله؛ اعتصابی که شکستش نقش به سزایی داشت در عقب نشینی مبارزات کارگری بسیاری از کارگران جهان، اما از آن شهر الان یک مخروبه باقی مانده چون بعد از آن، امروز اقتصاد سبز یا محیط زیست دولت و کارفرما و کارگر سه تایی تعهد دادند که در انگلیس به هیچ وجه زغال‌سنگ استفاده نشود؛ در انگلیس دیگر زغال‌سنگی در رابطه با انرژی استفاده نمی‌شود و سال گذشته در بیست و پنجمین سالگرد آن اعتصاب، کار متفاوت شده است. اما از طرف دیگر کارگران، به‌روز شدند و کار دیگری پیدا کردند. در ایران امروز کارگران قدم‌هایی را برمی‌دارند که ۵۰ سال قبل در غرب کارگران انجام داده بودند. در میان ۱۷۰۰ معدنی که الان داریم، بسیاری از این‌ها از نظر ایمنی کار در شرایط بسیار بدی قرار دارند. بخشی از این کارگران کارگران غیر ایرانی هستند که از شرایط‌شان سوءاستفاده می‌شود. کارگران دیگر هم می‌گویند هر صبح که از خانه می‌روند، از نظرشان آخرین خداحافظی را با خانواده می‌کنند.

دولت ما نه تشکل مستقل را به رسمیت می‌شناسند و نه خودش حاضر است کار را تصحیح کند.

وقتی بحث می‌کنیم که ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ کارگر کشته می‌شوند، یک بخش از آن را هنوز دولت نگفته است: بخش عمده ۲۰۰۰ قربانی دیگر که کسی از‌شان نام نمی‌برد، کارگران قراردادهای سفید امضا هستند که هیچ‌گونه حقی هم ندارند.

به کارگر یورت دیه ۱۷ میلیون تومانی می‌خواهند بدهند در صورتی که قبر در بهشت زهرای تهران حدود ۲۰ میلیون تومان است؛ حال بگذریم از این که دیه در یک تصادف رانندگی ۴۰ میلیون تومان است. اما اصلاً اشتباه اساسی این است که بحث

گفت‌وگو

دیه مطرح می‌شود. شما بر اساس این نوع قوانین اسلامی که نمی‌توانید به کارگری که کشته‌اید، دیه بدهید و تمام! خونی ریخته شده و آدمی کشته شده؛ چه کسی مسوول است؟ چه کسی باید پاسخ‌گو باشد؟ نه دولت جوابگوست نه کارفرما.

پس کارگران ایرانی چه می‌توانند بکنند؟ از چه کسی جواب بگیرند؟

کاری که جنبش کارگری ما می‌تواند انجام بدهد و دارد انجام می‌دهد این است که از کنفدراسیون‌های جهانی کمک بگیرد تا فشار بیاورند به سازمان جهانی کار و ما بتوانیم از طریق سازمان جهانی کار به ایران فشار بیاوریم. دیدیم در رابطه با معدن یورت با اعتراض کارگران، کنفدراسیون پتروشیمی و معادن وقتی اولین اعتراضیه را نوشت، به دولت ایران گفت که چرا کنوانسیون ۱۷۶ سازمان جهانی کار را تصویب نمی‌کنید؟

این کنوانسیون در چه رابطه‌ای است؟

در رابطه با ایمنی کار در معادن است.

چرا رعایتش نمی‌کنند؟

چون باید بسیار از لحاظ تکنولوژی ایمنی محیط کار به روز شوند. امروز صاحبان معادن بخش خصوصی و سپاه هستند. نهاد امنیتی است که کار اقتصادی می‌کند. شما که از نهاد امنیتی نمی‌توانید جواب بگیرید! نیاز به فشار بین‌المللی دارید که تا حدی انجام می‌شود ولی هنوز کم است.

و سخن آخر درباره تشکل‌های کارگری؟

۴۰۰ سال از ایمنی کار می‌گذرد. حدود ۱۰۰ سال است قانون کار داریم ولی چرا در آن جامعه رعایت نمی‌شود؟ چون تشکل کارگری نداریم. تشکل کارگری است که باید ایمنی کار را به‌روز کند. تشکل کارگری است که باید فشار بیاورد تا قوانین به سود کارگر تغییر کند. تشکل کارگری است که به سیستم فشار می‌آورد تا خطاکار مجازات شود. کسی که کارگر را می‌کشد، باید به زندان برود نه مدیری باشد که به او پاداش و اضافه‌کار و حقوق نجومی بدهند. تشکل این‌جا معنا دارد.

چیزی که در غیاب تشکل‌ها در ایران می‌بینیم، حمایت دولت از منافع کارفرما و باز گذاشتن دست او برای سود بیشتر است. ۲۸ اپریل امسال در روز جهانی آسیب‌دیدگان محیط کار، کارگران ایرانی اطلاعیه‌ای دادند و لیست بلندبالای همکاران کشته‌شده خود در محیط کار را نوشتند و تأکید کردند که وضعیت ایمنی کار در ایران بسیار وخیم است. آیا دولت و کارفرمایان ما به این می‌پردازند؟ خیر! فقدان تشکل باعث شده که شرایط کارگران در ایران حتی در چارچوب‌های سرمایه‌داری هم نکتجد و به برده‌داری شباهت بیشتری داشته باشد.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الكترونيكي تخصصي حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تماس با مجله: mail@iranhr.net

